

سوره دوم "بقره"

این سوره در مدینه نازل شده است و ۲۸۶ آیه دارد

به نام خداوند بخشنده مهربان

الف. لام. میم. (آیه ۱ - این حروف را حروف مقطعه می‌گویند که از حروف رمز قرآن است. در اول اغلب سوره‌های مکی و دو سوره مدنی یعنی بقره و آل عمران از چنین حروفی دیده می‌شود).

این کتاب که عاری از شک و تردید است، راهنمایی است برای پرهیزکاران. کسانی که به‌خدا نادیده‌باور دارند، نماز برپا دارند، و از آن چه روزیشان داده‌ایم انفاق و احسان کنند و به آن چه بر تو (ای محمد) و پیش از تو (بر پیامبران دیگر) نازل شده ایمان آورند و نیز به عالم آخرت یقین نمایند. اینانند که با لطف پروردگارشان هدایت یافته‌اند و رستگار می‌باشند. (آیه‌های ۲ - ۵) کافران را چه‌ترسانی و چه نترسانی فرق نمی‌کند، آنها ایمان نمی‌آورند! خدا بر دل‌هایشان مهر نهاده و چشم و گوش‌هایشان را پرده‌ای فرا گرفته است و برای آنان عذاب دردناکی می‌باشد. (۶ - ۷)

برخی از مردم گویند که به خدا و روز بازپسین ایمان آورده‌ایم در حالی که ایمان نیاورده‌اند. آنها خدا و مؤمنان را گول می‌زنند ولی نمی‌فهمند که جز خودشان کسی را فریب نمی‌دهند. دل‌هایشان بیمار است و خدا بیماریشان را بیشتر کند. به سبب دروغ گفتنشان عذاب دردناکی بر ایشان می‌باشد. (۸ - ۱۰)

وقتی به آنها گفته شود در زمین فساد نکنید گویند ما اصلاح‌کنندگانیم. بدانید که آنها فساد کنند و خود در نمی‌یابند! وقتی به آنها گفته شود که شما هم مثل دیگر مؤمنان ایمان بیاورید گویند آیا ما هم بدان سان که ابلهان ایمان آورده‌اند ایمان بیاوریم؟ بدانید که آنها خود ابلهانند و نمی‌دانند! (۱۱ - ۱۲)

آنها در دیدار با مؤمنان گویند ما ایمان آورده‌ایم ولی وقتی با یاران اهریمن خویش خلوت کنند گویند ما با شما نیستیم و آنان را استهزاء می‌نمائیم! خداوند آنها را استهزاء می‌کند و آنها را در سرکشی و طغیانشان رها می‌سازد که حیران باشند. آنها گمراهی را به بهای هدایت خریدند ولی تجارتشان سودی نکرد و راه راست نیافتند. (۱۴ - ۱۶)

مثل آنها مثل کسی است که در تاریکی آتشی بی‌افروخت و چون آن چه در پیرامونش بود روشن شد خدا آن روشنایی را برطرف ساخت و آنها را در تاریکی رها نمود که دیدن نتوانند. کران و لالان و کورانند و از گمراهی خویش بازنگردند! (۱۷ - ۱۸)

یا مثلشان حکایت کسانی است که در بیابان تاریک باران تندی، توأم با رعد و برق از آسمان فرو ریزد. از شدت رعد و ترس از مرگ، انگشتان خویش در گوش نهند. نزدیک باشد که برق چشمانشان را خیره سازد. هر آن گاه که روشنی بر آنها بتابد قدمی بردارند و چون تاریک شود از رفتن باز مانند خدا بر کافران احاطه دارد. اگر بخواهد شنوایی و بینایشان را می‌برد. زیرا خدا بر همه چیز تواناست. (۱۹ - ۲۰)

ای مردم! خدائی را که آفریننده شما و پیشینیان شما است بپرستید باشد که پرهیزکار شوید. خدائی را که زمین را برای شما بگسترده و آسمان را برافراشت و از آسمان بر شما باران فروبارید و با آن آب ثمراتی بیرون آورد که رزق و روزی شما باشد. پس با علم و اطلاعی که دارید شرکائی بر او قرار ندهید. و اگر در آن چه ما بر بنده خود نازل کردیم (قرآن) شک و تردید دارید (و می‌گویند ساخته خود محمص است) یک سوره مانند آن بیاورید و غیر از خدا، یاران و گواهان خود را (از دانشمندان و فصحا) نیز به یاری به طلبید ... پس

اگر این کار را نکردید، که هرگز هم نخواهید کرد، در آن صورت از آتشی که سوخت و هیزمش انسان‌ها و سنگ‌ها است و برای کافران آماده گشته است، بپرهیزید. (۲۱ - ۲۴)

به کسانی که ایمان آورده و کارهای نیکو انجام داده‌اند مژده بده که برای آنها باغ و بوستان‌هایی است که زیر درختان آنها نهرها جاری است. هر زمان که میوه‌های آنها به آنان روزی اعطا شود گویند این (نظیر) همان‌هایی است که قبلاً به ما روزی داده شده بود، و از نعمت‌های متشابه بهره‌مند گردند. برای آنان در آنجا همسران پاکیزه است آنها در آنجا جاویدان خواهند زیست. (آیه ۲۵) خداوند پروا ندارد که به پشه‌ای یا بالاتر از آن مثل بزند. آنان که ایمان آورده‌اند دانند که آن حق است از جانب پروردگارشان. ولی کافران گویند خدا از آوردن این مثل چه منظوری داشت که با آوردن آن جمعی را گمراه کند و گروه دیگری را هدایت نماید در حالی که جز تنه‌کاران کسی را بدان گمراه نمی‌سازد! (۲۶)

کسانی که پس از پیمان بستن با خدا آن را بشکنند و آنچه را که امر به پیوستن آن کرده است بگسلند و در زمین فساد کنند آنها خود زیان‌کارانند. (۲۷)

چگونه به خدا ناباوری می‌کنید در حالی که شما مردگان بودید او شما را حیات بخشید و دیگر بار شما را می‌میراند و باز زنده می‌کند و عاقبت به سوی او باز خواهید گشت. اوست که تمام آن چه را که در زمین است برای شما آفرید. آنگاه به آسمان پرداخت و هفت آسمان به پا ساخت و او به همه چیز داناست. (۲۸ - ۲۹)

هنگامی که پروردگارت به فرشتگان گفت که می‌خواهم در زمین خلیفه‌ای به وجود آورم گفتند پروردگارا آیا کسی را خواهی گماشت که فساد کند و خون بریزد؟ حال آن که ما خود تو را تسبیح و تقدیس می‌کنیم! گفت من چیزهایی می‌دانم که شما نمی‌دانید. (۳۰)

و خدا همه آسمان‌ها را به آدم تعلیم نمود آنگاه (حقایق اسماء را) به فرشتگان عرضه کرد و گفت اگر شما در ادعای خود صادقید اسامی اینان را برای من بیان کنید. گفتند تو پاکی و منزّه‌ای، جز آن چه به ما آموخته‌ای چیزی نمی‌دانیم که دانای فرزانه تویی. گفت ای آدم این‌ها را از نام آنها آگاه کن. و چون او آنان را از نام آنها آگاه کرد فرمود آیا به شما نگفتم که من بر غیب آسمان‌ها و زمین دانایم و آنچه را که شما نمان و آشکار کنید می‌دانم؟! (۳۱ - ۳۲)

چون به فرشتگان گفتیم بر آدم سجده کنید همگی سجده کردند مگر شیطان! که سر باز زد و برگی نمود و در زمره کافران در آمد! (۳۴)

به آدم گفتیم تو و همسرت در بهشت سکنی کنید و در آنجا از هر نعمتی که خواستید به وفور و راحتی برخوردار شوید اما به این درخت نزدیک نگردید که از ستمکاران می‌شوید. ولی شیطان آنها را بلغزانید و از مقامی که بودند بیرون آورد! گفتیم از این‌جایی که فرو شوید که برخی از شما دشمن بعض دیگر است! و تا روز قیامت قرارگاه و آرامگاه شما در زمین باشد! پس آدم از پروردگارش کلماتی آموخت که موجب پذیرش ندامت و توبه او گردید که خدا توبه‌پذیر و مهربان است. گفتیم همگی از آن فرو شوید. هرگاه از جانب من راهنمایی بر شما آید هر کس او را پیروی کند هرگز بیم و ترسی برایشان نباشد و آنها اندوه‌گین نگردند. ولی آنان که کفر ورزند و آیات ما را دروغ شمارند البته اهل دوزخ باشند و در آتش آن جاویدان خواهند بود! (۳۵ - ۳۹)

ای بنی‌اسرائیل! به یاد آورید نعمت‌هایی را که بر شما عطا کردیم. به عهد من وفا کنید تا من هم به عهد شما وفا کنم. و از من بترسید و بدان چه که فرستادم (قرآن) ایمان بیاورید

۱. بعضی از مفسران این مثل را به آیه ۲۹ عنکبوت، در مورد آفرینش مگس تعبیر می‌کنند.

که تصدیق‌کننده آن چه پیش شماست (یعنی تورات) می‌باشد. و نخستین کس نباشید که بدان کفر ورزد! و آیات مرا به بهای کمتر نفروشید و از من بترسید. حق را به باطل می‌پوشانید و حقیقت را پنهان نسازید در حالی که شما به حق بودن آن اطلاع دارید. و نماز بر پا دارید. و زکات بدهید. و با خداپرستان حق را ستایش کنید. (۴۰ - ۴۳)

چگونه است که شما مردم را به نیکوکاری دستور می‌دهید ولی خود را فراموش می‌کنید؟ و حال آن که شما کتاب خدا را می‌خوانید. آیا در آن اندیشه و تعقل نمی‌نمائید؟ از صبر و نماز یاری بجوئید و در حالی که جز بر متواضعان و فروتنان گران می‌باشد (یعنی) کسانی که یقین دارند پروردگارشان را ملاقات می‌کنند و بازگشتشان به سوی او خواهد بود. (۴۴ - ۴۶)

ای بنی اسرائیل! به یاد آورید نعمت‌هایی را که بر شما عطا کردم و شما را بر جهانیان برتری دادم. و بترسید از روزی که در آن کسی بر کسی سودی نرساند و هیچ شفاعتی از او پذیرفته نگردد و هیچ فدیة و عوضی قبول نیفتد و نه به آنان یاری کرده شود! و به یاد آورید هنگامی را که شما را از فرعونیان نجات دادم که از آنان سخت در عذاب بودید! آنها پسران شما را سر می‌پریدند و زنانتان را (برای کنیزی) زنده نگاه می‌داشتند. در این کارها بلا و امتحان بزرگی برای شما بود که خداوند شما را بدان می‌آزمود. (۴۷ - ۴۹)

به یاد آورید هنگامی را که دریا را برای شما بشکافتیم و فرعونیان را در آن غرق ساختیم در حالی که شما نظاره‌گر بودید. و به یاد آورید که با موسی چهل شب و عده نهادیم، پس شما در غیبت او گوساله‌پرستی اختیار کردید و ستمکار و بیدادگر شدید! آنگاه شما را بخشیدیم و پس از این کار (زشت) از گناه شما درگذشتیم شاید سپاسگزار شوید. (۵۰ - ۵۲) و به یاد آورید که بر موسی فرقان و کتاب عطا کردم باشد که شما به راه حق هدایت یابید. و از زمانی یاد آورید که موسی به قوم خود گفت ای قوم! شما با گوساله‌پرستی بر نفس خویش ستم کردید! اکنون به سوی خدا باز گردید و نفس خود را بکشید که در پیشگاه آفریدگارتان این برایتان بهتر است. پس خدا توبه شما را پذیرفت که او توبه‌پذیر مهربان است. (۵۲ - ۵۴)

به یاد آورید که گفتید ای موسی ما به تو ایمان نمی‌آوریم مگر آن که خدا را آشکارا ببینیم. پس صاعقه بر شما فرود آمد در حالی که شما نظاره‌گر آن بودید. پس شما را بعد از مرگ برانگیختیم باشد که خدا را شکر بگذارید. ابر را بر شما سایه‌بان ساختیم و ترنجبین و مرغ بریان برای شما نازل کردیم (گفتیم) از این چیزهای پاک، که روزیتان کرده‌ایم، بخورید (اما شکر نعمت به جای نیاوردند) نه به ما بلکه بر نفس خویش ستم کردند! (۵۵ - ۵۷) به یاد آورید وقتی که گفتیم بدین شهر (بیت‌المقدس) درآئید و از نعمت‌های آن هر چه بخواهید به فراوانی بخورید، و از این در سجده‌کنان در آن داخل شوید و بگوئید خدایا گناهان ما را فرو ریز. تا از خطای شما درگذریم و بر ثواب نیکوکاران شما بی‌افزائیم. ولی ستمکاران گفتار و حکم خدا را، به غیر از آن چه به آنها گفته شده بود، تبدیل کردند! پس ما نیز بر کسانی که ستم کردند به سبب تبهکاری که می‌نمودند عذاب سختی از آسمان نازل کردیم. (۵۸ - ۵۹)

به یاد آورید وقتی را که موسی برای قوم خویش آب می‌خواست. گفتیم عصای خود را بر سنگ بزن. پس دوازده چشمه آب از آن سنگ بیرون آمد و هر سبط^۱ و گروهی آبشخور^۱. حضرت یعقوب پسر حضرت اسحاق که بیشتر با نام اسرائیل شناخته می‌شود دوازده پسر داشت که هر یک از آنها را سبط و جمعی را اسباط می‌گویند. بنی اسرائیل فرزندان آنها و از نسل یعقوب یا اسرائیلند.

خود را شناخت. و گفتیم که از رزق و روزی خدا بخورید و بیاشامید و در زمین فساد و فتنه‌انگیزی ننمائید. (۶۰)

ای بنی اسرائیل! به یاد آورید آن وقت که به موسی اعتراض کردید که ما با یک نوع طعام نمی‌توانیم بسازیم. از خدای خود بخواه تا از آن چه زمین می‌رویانند مانند خیار و عدس و سیر و پیاز برای ما بیرون آورد. موسی گفت آیا (می‌خواهید) غذای بهتری را که دارید به پست‌تر از آن تبدیل کنید؟! به شهر فرد آئید که آن چه خواستید برای شما فراهم است. ذلت و خواری بر آنها ضرور و مقدر گردید و چون دست از عصیان و ستمکاری برداشتند، و به آیات الهی کفر ورزیدند، و انبیا را به ناحق کشتند دیگر بار به خشم و قهر خدا گرفتار آمدند!. (۶۱)

هر شخص مؤمن، و یهودی، و نصاری، و ستارپرست که به خدا و روز قیامت ایمان آورد و نیکوکاری کند پاداششان با پروردگارشان است. نه خوف و بیمی بر آنها است و نه هرگز اندوهگین شوند. (۶۲)

هنگامی که از شما پیمان گرفتیم و کوه طور را بر فرازتان برافراشتیم (و گفتیم) آن چه را که به شما دادیم (تورات را) محکم بگیرید و آن چه را که در آن است به یاد بسپارید که هر آینه پرهیزگار شوید. با این همه شما روی برتافتید و اگر فضل و رحمت خدا شامل حالتان نمی‌شد هر آینه از زیانکاران بودید. (۶۳ - ۶۴)

محققاً دانسته‌اید که جماعتی از شما عصیان و تعدی کرده حرمت شنبه را نگاه نداشتند. آنها را مسخ کرده گفتیم به شکل بوزینه درآئید و سرافکنده شوید. و این عقوبت مسخ را کفیری برای آنان و عبرتی برای آیندگان و پندی برای پرهیزکاران قرار دادیم^۱. (۶۵ - ۶۶) به یاد آورید وقتی موسی به قوم خود گفت که خدا به شما دستور می‌دهد گاوی را ذبح کنید^۲. گفتند آیا ما را مسخره می‌کنی؟ گفت پناه می‌برم به خدا که از نادانان باشم (و سخن به افسوس و مسخره گویم) گفتند از خدا بخواه که بر ما مشخص کند آن چگونه گاوی باشد؟ گفت می‌فرماید گاوی نه پیر و نه کم‌سال بلکه بین این دو. پس آن چه را فرمان یافته‌اید به کار ببندید. گفتند از خدا بخواه رنگ آن گاو را برای ما بیان دارد. گفت می‌فرماید گاو زرد زربینی که رنگ آن بینندگان را فرح بخشد. گفتند از خدا بخواه که چگونگی آن گاو را برای ما روشن گرداند زیرا آن گاو بر ما مشتبه شده است و بی‌گمان اگر خدا خواهد هدایت خواهیم شد. گفت می‌فرماید آن گاوی است نه رام که زمین را شخم کند و به کشتزار آب دهد. سالم است و لکه‌ای در رنگش نیست. گفتند حالا حقیقت را روشن ساختی و گاو را سر بردند در حالی که نزدیک بود باز نافرمانی کنند. (۶۷ - ۷۱)

به یاد آورید زمانی را که نفسی را کشتید و از این کار بیزاری نموده همدیگر را متهم ساختید. خدا آن چه را پنهان می‌داشتید آشکار نمود. گفتیم که پاره‌ای از اعضای آن گاو را بر بدن کشته بزنید (تا دریابید که) خدا اینچنین مردگان را زنده می‌کند و قدرت کامله خود را

۱. بنی اسرائیل با خدا عهد کرده بودند که روز شنبه را محترم بدارند و در آن روز ماهی صید نکنند ولی کسانی از آنها عهد را شکسته مخفیانه به صید ماهی پرداختند.

۲. شخصی به نام عامیل به وسیله نو برادرزاده خود کشته‌شده بود ولی قاتل شناخته نبود و این امر سبب اختلاف بین اسرائیلیان گشته بود. آنها گاو زرد زیبایی داشتند و گاهی برخی‌ها نیز آن را پرستش می‌نمودند. برای یافتن قاتل استمداد کردند. موسی گفت خدا می‌فرماید آن گاو را بکشید و با عضوی از آن بر جسد عامیل بزنید که به‌اذن الهی جان بگیرد و قاتل خود را معرفی نماید و این اختلاف از بین آنها برطرف گردد. ولی آنها نمی‌خواستند آن گاو را بکشند و هی بهانه می‌آوردند و نوشته‌اند که این آیات در رابطه با آن واقعه است که در آیه بعد نیز بدان اشاره شده است.

بر شما اشکار می‌سازد. باشد که بی‌اندیشید (با این همه) از پس آن دل‌های شما مانند سنگ، یا سخت‌تر از آن، سخت شد! نهرها از سنگ‌ها به جوشد و آب از آن بیرون آید و پاره‌ای از آنها از ترس خدا فروریزد (ولی دل‌های شما ایمان نیاورد) و خدا از آن چه می‌کنید غافل نیست. (۷۲ - ۷۴)

(ای محمد) چگونه انتظار دارید که آنها به دین شما بگردند در حالی که گروهی از آنها کلام خدا را می‌شنوند و پس از این که آنها را با عقل و ایمان درمی‌یابند با علم و آگاهی آن را تحریف می‌کنند. هنگامی که با مؤمنان دیدار کنند گویند ما هم ایمان آورده‌ایم و چون با یکدیگر خلوت کنند گویند چرا دانشی را که خدا دریچه آن را به روی شما باز کرده است با آنان در میان می‌گذارید که به یاری همان، در پیشگاه پروردگارتان با شما محابه و خصومت نمایند! چرا راه عقل و اندیشه نمی‌پیمائید؟ آیا آنها نمی‌دانند که خدا بر آن چه پنهان دارند یا آشکار سازند آگاه است؟ (۷۵ - ۷۷)

بعضی از آنها بی‌سواد مادرزادند و کتاب خدا را جز آرزوها و افسانه‌ها ندانند و آن چه درباره آن دانند از راه ظن و گمان است. پس وای بر کسانی که از جانب خویش چیزی نوشته گویند این از جانب خداست تا بهای اندکی از آن به دست آورند. وای بر آنها از آن چه با دست خود می‌نویسند و وای بر آنها از آن چه به دست می‌آورند. (۷۸ - ۷۹)

(یهود) گفتند آتش دوزخ جز چند روز معدود ما را فرا نگیرد! به آنان بگو آیا در این باب از خدا پیمانی گرفته‌اند که او از آن تخلف ننماید؟ یا ندانسته چیزهایی به خدا نسبت می‌دهند؟ آری هر کس که اعمال بدی کرد و گناهانش بر وی احاطه نمود چنین کسان اهل دوزخند و پیوسته در آن ماندگار خواهند بود! و کسانی که ایمان آوردند و کارهای نیکو انجام دادند آنها اهل بهشتند و برای همیشه در آن متنعم خواهند بود. (۸۰ - ۸۲)

بعباد آرید که از بنی‌اسرائیل پیمان گرفتیم که جز خدا را نپرستید و در حق والدین و خویشاوندان و یتیمان و مسکینان نیکی کنید. با مردم به زبان خوش سخن بگوئید. نماز بر پای دارید. زکات مال خویش بدهید. ولی جز کمی از شما عهد شکسته و روی برگردانیدند. و شما بودید که از پیمان برگشتید. (۸۳)

به یاد آرید که از شما پیمان گرفتیم خون‌های یکدیگر را مریزید. یکدیگر را از خانه و دیار خود نرانید و شما بر آن پیمان اقرار کرده و گواهی دادید. اینک شما نیک که خون همدیگر را می‌ریزید. گروهی از خودتان را از خانه‌هایشان بیرون می‌کنید. بر ضد آنها به‌گناه و دشمنی هم‌پشت می‌شوید! و اگر اسیر شما شوند برای آزاد کردنشان فدیهمی‌خواهید! در حالی که اخراج آنها بر شما حرام است. چرا بعضی از احکام‌تورات را باور دارید و به بعضی دیگر کفر می‌ورزید؟ پس جزای کسی از شما که چنین کند چیست؟ جز ذلت و خواری در این دنیا و سخت‌ترین عذاب در روز قیامت! و خدا از آن چه می‌کنید غافل نیست. اینان همان کسانی که زندگی دنیا را به بهای آخرت خریدند. پس هرگز در عذاب آنها تخفیف داده نشود و کسی به آنان یاری نرساند! (۸۴ - ۸۶)

ما به موسی کتاب عطا کردیم و از پی او پیامبران فرستادیم و عیسی بن مریم را حجت‌های روشن دادیم و به وسیله روح‌القدس بدو اقتدار و توانائی بخشیدیم. چرا هر پیامبری که برخلاف میل و آرزوی شما اوامری از جانب خدا آورد از او امرش سرکشی کردید. جمعی را تکذیب نمودید و گروهی را کشتید! گفتند دل‌های ما در حجاب غفلت است ولی ۱. به عقیده آنها هفت یا چهل روز.

چنین نیست بلکه به سبب کفرشان خدا بر آنان لعنت کرد! و کم‌اند آنهایی که ایمان می‌آورند. (۸۷ - ۸۸)

و هنگامی که کتاب آسمانی (قرآن) از جانب خدا برای هدایت آنها آمد با آن که کتاب آنها (تورات) را تصدیق می‌کرد، و با آن که پیش از آن امید خود را برای پیروزی بر کافران بدان بسته بود اما همین که پیامبر (محمد)، که از پیش می‌شناختید، برایشان آمد انکارش کردند و بدو کافر شدند، که لعنت خدا بر کافران باد. چه بد است آن چه آنها خود را بدان فروختند و بدان چه خدا نازل کرد ستمگرانه کفر ورزیدند. (گفتند) چرا خدا فضل خود را به هر کس از بندگانش که که خواهد نازل می‌کند^۱ و (بدین سان) خشمی بالای خشم دیگر از خدا برای خویش تحصیل کردند! و برای کافران عذاب خوارکننده مهیا است. (۸۹ - ۹۰)

چون به آنان گفته شد که بدان چه خدا فرستاده (یعنی قرآن) ایمان بیاورید گفتند ما تنها بدان چه بر ما نازل شده (تورات) ایمان می‌آوریم و غیر آن را با آن که حق است و کتاب آنها را تصدیق می‌کند انکار نمودند. بگو اگر چنین است و شما ایمان داشتید پس چرا پیامبران خدا را که پیش از این برای شما آمدند، می‌کشتید؟ و محققاً موسی با آیات و دلایل روشن به سوی شما آمد ولی باز در غیبت او گوساله‌پرستی اختیار کردید و شما سخت ستمکار بودید. (۹۱ - ۹۲)

به یاد آرید که از شما پیمان گرفتیم و (کوه) طور را بر بالای شما به داشتیم که آن چه را برای شما دادیم (تورات) با ایمان محکم بگیرید و گوش فرا دهید. گفتند شنیدیم و فرمان نبردی! و به سبب کفرشان دل به پرستش گوساله بستند! بگو اگر ادعای ایمان دارید چه زشت است آن چه ایمانتان شما را بدان وادار می‌کند. (۹۳)

(ای محمد) بگو اگر سرای آخرت در پیشگاه خدا به شما اختصاص دارد و نه به دیگران، پس آرزوی مرگ کنید اگر راست می‌گوئید. ولی آنها، به سبب کارهایی که قبلاً کرده‌اند، هرگز چنین آرزویی نکنند و خدا به حال ستمکاران داناست. آنها را به زندگی حریص‌ترین مردم خواهی‌یافت (حریص‌تر) از مشرکان. یکایک آنها آرزوی یک‌هزار سال عمر می‌کنند ولی عمر آنها (هزار ساله هم) آنها را از عذاب دور ندارد و خدا بر آن چه می‌کنند بینا است. (۹۴ - ۹۶)

بگو به آن کس که با جبرئیل دشمنی کند (با خدا دشمنی می‌کند زیرا) او به فرمان خدا قرآن را بر دل تو فرود آورد که تصدیق کننده دیگر کتب آسمانی پیش از آن است، و برای مؤمنان هدایت کننده و بشارت دهنده می‌باشد^۲. هر کس با خدا و فرشتگان و پیامبران او و جبرئیل و میکائیل دشمن باشد (محققاً کفر ورزیده است) و همانا خدا دشمن کافران است. ما آیات و دلایل روشنی بر تو نازل کردیم و جز بدکاران بر آن کفر نورزند. چگونه است که هر عهد و پیمانی (که یهود با خدا و پیامبر) بستند گروهی از آنان آن را به دور افکندند؟ ولی بیشتر ایمان نیاوردند. و چون پیامبری از جانب خدا بر آنها آمد (محمد) که به درستی کتاب آنها گواهی می‌داد، گروهی از آنهایی که به آنها کتاب داده شده بود کتاب خدا را پشت سر انداختند چنان که گوئی هیچ نمی‌دانند. و پیرو افسون‌هایی شدند که به روزگار سلطنت سلیمان دیوها و شیاطین می‌خواندند. سلیمان کافر نبود ولی دیوها و شیاطین کافر بودند و به مردم جادو یاد می‌دادند و آن چه را که در بابل به دو فرشته، هاروت و ماروت فرود

۱. زیرا نژاد خود را برتر می‌دانستند و نبوت و رسالت را خاص بنی اسرائیل می‌پنداشتند.
 ۲. یهودیان با جبرئیل دشمنی می‌کردند زیرا چنین می‌پنداشتند که او به جای آن که قرآن را به یکی از بنی اسرائیل بیاورد به محمدص از اولاد اسماعیل آورد و نبوت را از آل اسحاق به آل اسماعیل منتقل نمود.

آمده بود، به آنان می‌آموختند^۱. (در حالی که خود آن دو فرشته) به کسی چیزی یاد نمی‌دادند. حتی به او می‌گفتند که ما (می‌ه) امتحان و آزمایسیم، زنهار تو کافر نشوی! (مردم) از آن دو، افسون‌ها یاد می‌گرفتند که با آن میان زن و شوهر جدائی می‌انداختند.. اما هیچکس را جز به اذن خدا توان زیان رسانیدن نداشتند و چیزهائی فرا می‌گرفتند که به زیانشان بود و سودی بر آنها نمی‌رسانید. و یقین فهمیدند که هر کس کتاب خدا را به سحر و جادو بدل کند در آخرت بهره‌ای برای او نخواهد بود. و بد است آن چه خود را بدان فروختند! اگر آنها ایمان می‌آوردند و پرهیز کاری می‌کردند ثواب خوبی از جانب خدا به آنان می‌رسید اگر می‌دانستند. (۹۷ - ۱۰۳)

ای کسانی که ایمان آورده‌اید (هنگام سخن گفتن با محمدص) نگویید "راعنا" بلکه بگویید "انظرنا"^۲ کلام خدا را بشنوید و بدانید که برای کافران عذاب دردناکی مهیا است. (۱۰۴) اهل کتاب و مشرکان هرگز دوست ندارند که از جانب خدا خیری بر شما نازل شود لیکن خدا هر که را خواهد به فضل و رحمت خویش مخصوص گرداند و خدا صاحب فضل عظیم است. (۱۰۵)

ما هر چه از آیات قرآن را نسخ کنیم یا حکم آن را متروک سازیم بهتر از آن یا مانند آن بی‌آوریم. آیا مردم نمی‌دانند که خدا بر همه چیزی تواناست؟ (۱۰۶) آیا ندانی که فرمانروائی آسمان‌ها و زمین خاص خداست؟ و جز خدا یار و مددکاری برای شما نیست؟ (۱۰۷)

آیا شما می‌خواهید از پیامبر خویش آن تقاضاهائی را که بنی‌اسرائیل از موسی داشتند درخواست کنید^۳. هر کس ایمان را به کفر مبدل سازد بی‌شک راه راست را گم کرده است. بسیاری از اهل کتاب بعد از آن که حق بر آنها آشکار گردید، به سبب حسدی که در دل بر ایمان شما دارند، دوست دارند که شما را از ایمانتان به کفر باز گردانند. پس درگذرید و مدارا کنید تا خدا فرمان خود را (در مورد جنگ یا صلح) صادر کند که البته او به هر چیزی توانا است. و نماز بر پا دارید. و نکات بدهید و بدانید که هر چه از اعمال نیکو برای خویش از پیش به فرستید پاداش آن را نزد خدا خواهید یافت. زیرا خدا به آن چه می‌کنید بینا است. (۱۰۸ - ۱۱۰)

یهود گفتند که هیچکس به بهشت نرود مگر آن که یهودی یا نصرانی باشد. این آرزوی آنها است! بگو اگر راست می‌گوئید بر این ادعای خود دلیل و برهان بیاورید. بلکه هر کس که تسلیم حکم خدا گردد و رو به خدا آورد و نیکوکار باشد به یقین اجرش نزد خدا خواهد بود. نه بیمی بر چنین کسانی خواهد بود و نه اندوهگین گردند. (۱۱۱ - ۱۱۲)

یهود گفتند که نصاری بر حق نیستند. و نصاری گفتند که یهود بر حق نیستند. در حالی که هر دوی آنها کتاب (آسمانی) را می‌خوانند! این گونه گفتار نظیر مجادلات مردمی است که

۱. نوشته‌اند که هاروت و ماروت نام دو فرشته است که وقتی خدا فرمود که فرشتگان بر آدم سجده کنند گفتند چگونه بر کسی سجده کنیم که در سرشت او خونریزی و گناه است. فرمود اگر به شما هم شهوت می‌دادند بدتر از آدمیان می‌شدید. آنها گفتند امتحان کنید. به زمین آمدند و دچار عشق زهره شدند و امکان بازگشت به مقام اول را از دست دادند! باید دانست که امتناع آنها از سجده به آدم با امتناع ابلیس فرق داشت. ابلیس گفت چرا سجده کنم که من برتر از اویم و تکبر نمود. ولی این‌ها نگفتند بدو برتری داریم بلکه صفات نامطلوب موجود در سرشت آدمی را شایسته سجده ندانستند.

۲. راعنا یعنی ما را رعایت کن. نزد یهودیان یک اصطلاح بی‌ادبانه و موهنی بود. قرآن به کار بردن آن را در گفتگو با پیامبر منع و به جای آن کلمه انظرنا یعنی به ما بنگر، را مقرر داشت.

۳. یهودیان از موسی خواستند که "ارنا لله جهرتا" یعنی خدا را آشکارا به ما نشان بده.

از کتاب آسمانی بهره‌ای ندارند و خدا در روز قیامت در این اختلاف که آنها دارند حکم خواهد نمود. (۱۱۳)

کیست ستمکارتر از آن‌کس که مردم را در مساجد از ذکر نام خدا باز دارد و در خرابی آنها بکوشد. چنین کسان را نشاید در آن مسجد درآیند مگر آن که از عملکرد خویش بی‌مناک باشند. برای آنها در دنیا ذلت و خواری و در آخرت عذاب سختی می‌باشد. (۱۱۴)

مشرق و مغرب هر دو از آن خداست. پس به هر طرف رو کنید به سوی خدا روی آورده‌اید. خدا به همه جا محیط و به همه چیز دانا است. (۱۱۵)

گروهی گفتند که خدا (برای خود) فرزندی گرفته است. او پاک و منزّه است بلکه هر چه در آسمان و زمین است متعلق بدو است و فرمانبردار اویند. آفریننده آسمان و زمین است و به هر چیزی که بخواهد می‌گوید "باش" و "می‌شود". (۱۱۶ - ۱۱۷)

مردم نادان اعتراض کرده گفتند چرا خدا با ما سخن نگوید و یا معجزه و کتابی برای ما نفرستد؟ پیش از آنها نیز کسانی چنین سخنانی گفتند. دل‌های آنها به هم شبیه است. همانا که ما آیات را برای گروهی که اهل یقینند بیان کردیم. (۱۱۸)

(ای‌محمد) بی‌گمان ما تو را به حق فرستادیم تا مردم را (به نعمت بهشت) مژده دهی و (از عذاب دوزخ) بترسانی و تو مسئول آنان که به راه دوزخ رفتند نخواهی بود! یهود و نصاری هرگز از تو خشود نخواهند بود مگر آن که از آئین آنها پیروی کنی! بگو هدایت خدا بهترین هدایت‌ها است. و اگر تو، پس از آن که از روی علم و یقین راه حق را یافتی، از میل و خواهش آنها پیروی کنی برای تو از جانب خدا دوست و یاری‌دهنده‌ای نخواهد بود! آنان که برایشان کتاب فرستادیم آن را، آن‌چنان که شایسته تلاوت آن است، تلاوت می‌کنند. آنها بدان ایمان می‌آورند. و هر کس به آن ناباوری کند همانا آنها زبان‌کاران باشند. (۱۱۹ - ۱۲۱)

ای بنی‌اسرائیل! به یاد آرید نعمتی را که من به شما عطا کردم و شما را بر جهانیان برتری دادم. و بترسید از روزی که از دست کسی برای دیگری چیزی نیاید و فدیّه و عوضی از او پذیرفته نگردد و هیچ شفاعتی سودش ندهد و نه به آنان یاری شود! (۱۲۲ - ۱۲۳)

هنگامی که خدا ابراهیم را به اموری چند بیاموزد و او همه را انجام داد، فرمود من تو را به پیشوائی خلق برمی‌گزینم! ابراهیم گفت آیا این پیشوائی را به فرزندان من هم عطا خواهی کرد؟ فرمود عهد من هرگز به ستمکاران نرسید. و چون کعبه را مقام امن و پناهگاه مردم قرار دادیم (گفتیم) از مقام ابراهیم برای خود نمازگاه (مصلی) بگیرید. و با ابراهیم و اسماعیل عهد کردیم که حرم مرا برای طواف‌کنندگان و اعتکاف‌کنندگان و رکوع کنندگان و سجده‌کنندگان پاکیزه دارید. (۱۲۴ - ۱۲۵)

و هنگامی که ابراهیم گفت خدایا این شهر را جای امن قرار ده و روزی ساکنان آن را، که به خدا و روز قیامت مؤمن باشند، فراخ گردان. فرمود هر کس با وجود این نعمت طریق کفر پیش گیرد و ناسپاسی نماید در دنیا اندکی بهره‌مندش گردانم و لیکن در آخرت به عذاب آتش گرفتارش می‌نمایم و چه زشت است این بازگشتگاه! (۱۲۶)

و وقتی ابراهیم و اسماعیل پایه خانه (کعبه) را برافراشتند گفتند پروردگارا این خدمت را از ما بپذیر. تو شنوائی فرزانه. پروردگارا! ما را از فرمانبرداران خود قرار بده. و از فرزندان ما امت مسلمانی برای خود به وجود آر و موارد اعمال حج ما را بر ما به نما. و ابراهیم با اموری مثل اعمال حج، قربانی فرزند، تحمل آتش و ... مورد آزمایش قرار گرفت.

توبه ما را بپذیر که تو توبه‌پذیر مهربانی. (۱۲۷ - ۱۲۹)

کیست که از آئین ابراهیم روی برتابد مگر آن که خود را به سفاهت بزند! ما ابراهیم را در دنیا به رسالت برگزیدیم و او در آخرت از نیکان باشد. و وقتی پروردگارش بدو گفت که فرمانبردار باش، گفت من مطیع و فرمانبردار پروردگار جهانانم. (۱۳۰ - ۱۳۱) و ابراهیم و یعقوب فرزندان خود را بدان سفارش کردند که ای فرزندان! خدا این آئین پاک را برای شما برگزید پس نمیرید مگر آن که مسلمان باشید! آیا موقعی که یعقوب را مرگ فرا رسید شما شاهد بودید؟ او به فرزندان خود گفت بعد از من که را خواهید پرستید؟ گفتند پروردگار تو و خدای پدران ابراهیم و اسماعیل و اسحق را می‌پرستیم که خدای یگانه است و ما فرمانبردار او هستیم. (۱۲۲ - ۱۲۳)

آنها امتی بودند که درگذشتند. هر کار نیک و بدی که کردند برای خود کردند و شما نیز هر چه کنید برای خود کنید. و از کارهایی که آنها کردند از شما بازخواست نخواهد شد. (۱۳۴)

(یهود و نصاری) گفتند که به آئین ما بگروید و یهودی یا نصرانی شوید تا راه راست یافته هدایت کرده شوید به آنها بگو ما آئین ابراهیم یکتاپرست را پیروی می‌کنیم و او هیچگاه از مشرکان نبود. بگوئید ما به خدا ایمان آورده‌ایم، و به کتابی که بر ما فرود آمده، و نیز به آن چه به ابراهیم و اسماعیل و اسحق و یعقوب و فرزندان فرستاده شده، و آن چه بر موسی و عیسی داده شده، و آن چه از جانب پروردگارشان بر پیامبران ارسال گشته ایمان داریم. میان هیچیک از پیامبران فرق نگذاریم و تسلیم فرمان خدا می‌باشیم. پس اگر (یهود و نصارا) بدان سان که شما ایمان آورده‌اید بدان ایمان بیاورند راه هدایت یافته‌اند ولی اگر روی برگردانید بی‌شک در خلاف و ستیزه خواهند بود. خدا شما را در برابر آنها کفایت خواهد نمود و او شنوای دانا است. آئین خدا است و کیست که برای پرستش بهتر از خدا باشد و ما تنها بدو پرستش نماییم. (۱۳۵ - ۱۳۸)

(ای پیامبر) به اهل کتاب بگو چرا درباره خدا با ما بحث و مجادله می‌کنید؟ او پروردگار ما و پروردگار شما است. ما مسئول اعمال خود هستیم و شما مسئول کرده‌های خویش. و ما اخلاص‌آوردندگان بدو می‌باشیم. آیا می‌خواهید بگوئید که ابراهیم و اسماعیل و اسحق و یعقوب و فرزندان، یهودی و نصرانی بودند؟ بگو آیا شما دانائید یا خدا؟ و کیست ستمکارتر از آن که شهادتی از خدا نزد او باشد و او آن را کتمان نماید. و خدا از آن چه می‌کنید غافل نیست. و آنها امتی بودند که درگذشتند. هر چه کردند برای خود کردند و شما هم هر چه کنید به سود خود کنید و از شما درباره عملکرد آنها بازخواست نخواهد شد. (۱۳۹ - ۱۴۱) نابخردان خواهند گفت چه چیز مسلمان را از قبله‌ای که بر آن بود برگردانید؟ بگو شرق و غرب عالم از آن خدا است و او هر که را بخواهد به راه راست هدایت می‌نماید. بدین سان شما را از امت معتدل قرار دادیم تا بر مردم گواه باشید و این پیامبر بر شما گواه باشد. و ما قبله‌ای را که در آن بودی تغییر ندادیم مگر این که بیازمائیم چه کسانی از پیامبر خود پیروی می‌کنند و چه کسی به عقب برگشته مخالفت می‌نمایند. و همانا این کار جز هدایت‌یافتگان بر دیگران دشوار باشد. خدا پاداش پایداری شما را در راه ایمان ضایع نگرداند که او بر مردم مشفق و مهربان است. ما توجه تو را به سوی آسمان دیدیم و البته روی تو را به سوی قبله‌ای که تو را خشنود سازد برگردانیدیم. پس رویت را به سمت مسجدالحرام بگردان و هر جا باشید روی بدان سو بنمائید. و اهل کتاب البته می‌دانند که این تغییر قبله برآستی از سوی پروردگارشان است و خدا از آن چه می‌کنند غافل نیست.

(۱۴۲ - ۱۴۴)

برای اهل کتاب هر معجزه و آیتی که بیاوری از قبله تو پیروی ننمایند و تو نیز پیروی قبله آنها نیستی و بعضی از آنها هم از قبله بعضی دیگر پیروی نکنند. و اگر تو بعد از آن که از جانب خدا علم و اطلاع یافته‌ای تابع هوس‌های آنها شوی همانا از ستمکاران خواهی شد! کسانی که برای آنها کتاب فرستاده‌ایم آن را، بدان گونه که فرزندان خود شناسند، می‌شناسند اما گروهی از آنها حق را کتمان می‌کنند در صورتی که بدان علم دارند. حق همان است که از جانب خدا برای تو آمده است هیچ شک و تردیدی بر دل خود راه مده. (۱۴۵ - ۱۴۷)

هر جماعتی را قبله و جهتی است که رو به سوی آن کند. پس به سوی نیکی‌ها بشتابید و هر کجا که باشید خدا همه شما را گردآورد زیرا او به هر کاری توانا است. از هر جا و به سوی هر دیار که بیرون شوی رو به سوی مسجدالحرام کن که آن از جانب پروردگارت حق است و خدا از آن چه می‌کنید غافل نیست. (۱۴۸ - ۱۴۹)

از هر کجا و به سوی هر دیار که بیرون آئی (موقع نماز) رو به سوی مسجدالحرام کن و (شما مسلمانان نیز) هر کجا بودید رو بدان سو کنید تا مردمان را علیه شما دستاویزی نباشد. مگر کسانی از آنها که به ستم گرانیدند. پس از آنان مترسید و از نافرمانی بر من حذر کنید تا نعمت خود را بر شما تمام کنم و باشد که به سوی حق هدایت شوید. (۱۵۰)

چنان که پیامبری از خود شما برای شما فرستادیم که آیات ما را برای شما بخواند و شما را (از جهل و شرک) پاک و منزّه گرداند و کتاب و حکمت به شما بیاموزد و آن چه را که نمی‌دانید به شما یاد دهد. پس مرا یاد کنید تا شما را یاد کنم و بر من سپاس گزارید و کفر نورزید. (۱۵۱ - ۱۵۲)

ای مؤمنان! از صبر و استقامت و نماز و ذکر خدا یاری جوئید که خدا با صبرکنندگان است. و به کسانی که در راه خدا کشته می‌شوند مردگان نگوئید بلکه آنها زندگاند و شما آن‌را در نمی‌یابید. هرآینه شما را به چیزی از ترس و گرسنگی و کاهش در اموال و نفوس و محصولات آزمایش کنیم به آنان که شکیبیا و صبور باشد بشارت بده. کسانی که چون بلا و مصیبتی بر آنها برسد گویند ما از آن خدائیم و همانا به سوی او باز می‌گردیم. آنانند که از طرف پروردگارشان درود و رحمت بر آنها است و آنانند که هدایت شدگانند. (۱۵۳ - ۱۵۷)

همانا صفا و مروه از شعائر دین خدا است. پس هر کس که حج خانه خدا کند یا اعمال عمره به جای آورد جایز است که بر آن‌ها طواف کند. و هر کس با میل و رغبت بر کار خیر مبادرت نماید بی‌گمان خدایش پاداش خواهد داد و او سپاسگزار دانا است. (۱۵۸)

کسانی که آیات و دلایل ما را که فرستاده‌ایم، بعد از آن که در کتب آسمانی برای مردم بیان کرده‌ایم پنهان دارند خدا و لعنت‌کنندگان آنان را لعنت نمایند. مگر آنهایی که توبه کرده و به اصلاح اعمال خود بپردازند و برای مردم آن چه را که کتمان نمودند بیان دارند. پس توبه آنان را می‌پذیریم و من توبه‌پذیر مهربانم. آنان که کفر ورزیدند و کافر مردند لعنت خدا و فرشتگان و همه مردم بر آنها خواهد بود. برای همیشه در آن ماندگارند. نه عذابشان سبک گردد و نه به آنان مهلت داده شود! معبود شما خدای یگانه است. معبودی جز او نیست. بخشاینده مهربان است. (۱۵۹ - ۱۶۳)

در آفرینش آسمان‌ها و زمین، و آمد و شد شب و روز، و حرکت کشتی‌ها در دریا برای آن که به مردم سود برسانند، و آب‌هایی که خدا از آسمان نازل می‌کند تا با آن زمین مرده

را زنده گرداند، و در برانگیختن انواع حیوانات و جنبنده‌ها در زمین، و وزش باده‌ها و ابرهائی که میان آسمان و زمین مسخر است (در همه آنها) برای خردمندان آیات و نشانه‌های الهی است. بعضی از مردم چیزهائی را برای پرستش برمی‌گیرند و آنان را همانند خدا دوست می‌دارند! اما آنهائی که ایمان آورده‌اند مهرشان به خدا شدیدتر است. و آنان که ستم کردند وقتی عذاب خود را مشاهده کنند درمی‌یابند که تمام نیروها و توانائی‌ها از آن خداست و این که خدا سخت‌گیر است. هنگامی که پیشوایان باطلشان از پیروان خود بیزاری جویند و عذاب الهی بر آنها مشهود گردد و هرگونه سبب و پیوندی میانشان قطع شود. آن کسان که پیروی آنها کردند از روی حسرت و ندامت گویند ای‌کاش ما بار دیگر به دنیا بازمی‌گشتیم و چنان که آنان از ما بیزاری کردند از آنها بی‌زاری می‌نمودیم! خدا این چنین اعمالشان را به آنان نشان می‌دهد تا مایه حسرت و ندامت آنها گردد. آنها در آتش ابدی هستند و خروج از آن برای آنان نخواهد بود. (۱۶۴ - ۱۶۷)

ای مردم! از آن چه در زمین حلال و پاکیزه است بخورید و از وسوسه‌های شیطان پیروی نکنید که او البته برای شما دشمن آشکار است. او شما را به بدی و فحشا دستور می‌دهد و بر آن وامی‌دارد که از روی جهل و نادانی نسبت به خدا آن چه را که نمی‌دانید بر زبان بی‌آورید! هرگاه به آنان گفته شود که از آن چه خدا نازل کرده است پیروی کنید گویند (نه) بلکه ما از آن چه پدرانمان را بر آن یافتیم پیروی می‌کنیم، ولو آن که پدرانمان چیزی ادراک نکرده و هدایت نشده باشند! مثل کافران (برای شنیدن سخنان انبیا) مثل حیوانی است که وقتی آوازش کنند جز بانگ و صدا چیزی نمی‌شنود! آنها کرانند و لال‌هایند و کورانند و (هیچ) نمی‌فهمند! (۱۶۸ - ۱۷۱)

ای مردم! از چیزهای پاکیزه که روزیتان قرار داده‌ایم بخورید و خدا را شکر کنید، اگر او را می‌پرستید. خدا گوشت مردار و خون و گوشت خوک و هر آن چه را که به نام غیر خدا ذبح شود، بر شما حرام کرد. ولی اگر کسی از راه اضطرار و احتیاج ناگزیر به خوردن آنها گردد بر او گناهی نخواهد بود. به راستی که خدا بخشندهٔ مهربان است. (۱۷۲ - ۱۷۳)

کسانی که، آن چه را که خدا در کتب آسمانی فرستاده، از مردم کتمان می‌کنند و بهای اندکی از آن به دست می‌آورند جز آتش چیزی در شکم خود فرو نمی‌برند. و خدا روز رستاخیز با آنان سخن نگوید. و آنان را از پلیدی و عصیان پاک نگرداند. و بر آنها عذاب دردناکی باشد! آنانند کسانی که گمراهی را به هدایت و عذاب را به آموزش خریدند! چه چیز آنها را به آتش شکیبا می‌سازد؟! این بدان سبب است که خدا کتاب را به حق نازل کرد و آنان که در آن اختلاف کردند در خلاف ستیزش دوری افتادند. (۱۷۴ - ۱۷۶)

نیکی آن نیست که به جانب مشرق و مغرب رو کنید. بلکه نکوکار کسی است که به خدا، و به روز قیامت، و به فرشتگان، و به کتاب آسمانی، و پیامبران ایمان آورد. و در راه دوستی خدا به خویشاوندان، و یتیمان، و مسکینان، و در راه ماندگان، و اهل سؤال، و برای آزاد کردن بنده‌ها از مال خویش بدهد. و نماز بر پای دارد. و زکات بدهد. و چون عهده بست بدان وفا کند. و در سختی‌ها و زیان و ضررها شکیبا باشد. این کسانی که راست گویانند و اینانند که پرهیزکارانند. (۱۷۷)

ای کسانی که ایمان آورده‌اید در مورد کشته‌شدگان برای شما خونخواهی و قصاص مقرر شد که مرد آزاد در برابر آزاد، برده در برابر برده، زن در مقابل زن (قصاص شود) و اگر صاحب خون بخواهد از قاتل، که برادر دینی اوست، با دریافت دیه یا بدون آن

درگذرد کار نیکو کرده است. و قاتل هم باید دبه را در کمال رضا و خشنودی بپردازد. تمام آن چه گفته شد تخفیف و رحمتی است از جانب پروردگارتان در امر قصاص. پس از آن هر کس از آن بخشش تعدی کند و به قاتل ستم روا دارد او را عذاب دردناکی خواهد بود. و ای خردمندان! قصاص برای حفظ حیات شما است تا مگر از قتل یکدیگر بیرهیزید. (۱۷۸ - ۱۷۹)

بر شما مقرر گشته است که وقتی یکی از شما را مرگ فرا رسد اگر دارای مال و منالی باشد در حق پدر و مادر و خویشاوندان به قدر متعارف وصیت کند. این کار حقی است برای پرهیزکاران. و اگر کسی بعد از شنیدن آن وصیت آن را تغییر دهد، گناه آن بر آنهایی است که آن را تغییر دهند و خدا شنوای دانا است. (اما اگر کسی بیمناک باشد که وصیت‌کننده (به یکی از رواث) رغبت بیشتری نشان داده یا (با وصیت به کارهای خلاف شرع) مرتکب گناهی گشته و بین آنها اصلاح نماید بر وی گناهی نخواهد بود. و همانا خدا آمرزگار مهربان است. (۱۸۰ - ۱۸۲)

ای کسانی که ایمان آورده‌اید روزه بر شما واجب گردید، چنان که بر پیشینیان شما هم واجب شده بود، باشد که پرهیزکار شوید. روزهای چندی. پس اگر کسانی بیمار یا در سفر باشند به شماره آن ایام در روزهای دیگر روزه بدارند و کسانی که طاقت روزه گرفتن ندارند برای هر روز طعامی فدیة دهند به مقداری که یک نفر فقیر گرسنه را سیر نماید. اگر کسی فدیة را بیشتر بدهد برای او خیر بیشتری دارد. و روزه گرفتن برای شما بهتر است اگر بدانید. (۱۸۳ - ۱۸۴)

ماه رمضان ماهی است که قرآن، برای هدایت مردم، در آن نازل شده است و نشانه‌های روشنی است از هدایت و تشخیص حق از باطل. پس هر کس از شما این ماه را دریابد باید روزه بدارد و اگر کسی مریض یا در سفر باشد (به شمار آن روزها) در ایام دیگر روزه بدارد. خدا برای شما آسانی می‌خواهد نه سختی. تا شما روزهای (روزه) را کامل کنید و خدا را، به شکرانه آن که شما را هدایت کرد به بزرگی یاد نمایند باشد که سپاسگزار شوید. (۱۸۵)

(ای پیامبر) اگر بندگان من مرا از تو پرسیدند بگو من به آنها نزدیکم و دعای آن کس که مرا خواند اجابت می‌کنم پس آنان نیز باید (گفته‌های) مرا اجابت کنند و به من ایمان بیاورند باشد که هدایت شوند. (۱۸۶)

در شب‌های روزه آمیزش با زنانان بر شما حلال گردید. آنها جامه ستر و عورت شما هستند و شما لباس و پوشش عفت آنها. خدا می‌دانست که شما در کار مباشرت با زنان، بر نفس خویش خیانت می‌کردید لذا از حکم حرمت آن درگذشت و گناه شما را بخشید. پس از هم اکنون روا است که در شب رمضان با آنان درآمیزید و از خدا آن چه را که برای شما مقرر کرده بخواهید. و بخورید و بیاشامید تا آنگاه که (با طلوع فجر) رشته سپید از سیاه بر شما آشکار شود. از آن پس روزه را تا اول شب به پایان آرید. و هنگام اعتکاف در مساجد با زنان نزدیکی نکنید. این احکام حدود الهی است. زنهار در آن، راه مخالفت مپویند! خدا این گونه آیات خود را برای مردم بیان می‌دارد تا باشد که پرهیزکار گردند. (۱۸۷)

اموال خود را بین خود به ناحق مخورید و قسمتی از آن را به حگام ندهید (که با حکم او) پاره‌ای از اموال مردم را به گناه بخورید در حالی که (ناروا بودن آن را) خود می‌دانید. (۱۸۸)

(ای پیامبر) درباره ماه‌های نو از تو سؤال می‌کنند بگو آنها گاهنمائی است برای مردم و

حجّ. نیکی آن نیست که از پشت دیوار به خانه‌ها درآئید.^۱ بلکه نیکوکار کسی است که پرهیزگار باشد. از در خانه‌ها داخل شوید و تقوی پیشه کنید تا رستگار گردید. (۱۸۹)

در راه خدا با کسانی که با شما به جنگ و دشمنی برخیزند، جهاد کنید ولی متجاوز نباشید که خدا تجاوزکاران را دوست ندارد! هر کجا آنها را یافتید به قتل برسانید و از جایی که شما را بیرون کردند آنها را بیرون کنید (و بدانید) فتنه و نیرنگ از قتل بدتر است. در نزدیکی مسجدالحرام با آنها پیکار ننمائید مگر آن که آنها با شما در آنجا پیکار کنند. و اگر به جنگ با شما برخاستند آنان را بکشید. این چنین است کیفر کافران. و اگر دست از جنگ برداشتند همانا خدا آمرزندهٔ مهربان است. و با کفار جهاد کنید تا فتنه و فساد از روی زمین برطرف شود و پرستش خاص خدا گردد. و اگر از جنگ و فتنه دست کشیدند (با آنها عدالت را مرعی دارید) که ستم و دشمنی جز بر ستمکاران روا نیست. (۱۹۰ - ۱۹۳)

ماه حرام در مقابل ماه حرام است و عدم رعایت حرمت‌ها قصاص دارد. پس هر کس با شما تعدی و ستمکاری کند به مانند آن چه بر شما تعدی کرده با او مقابله کنید و از خدا بترسید و بدانید که خدا با پرهیزکاران است. از مال خود در راه خدا انفاق و احسان کنید (ولی اسراف ننمائید که) با دست خود خویشتن را به هلاکت افکنید. و احسان و نیکویی کنید که خدا نیکوکاران را دوست می‌دارد. (۱۹۴ - ۱۹۵)

و حج و عمره را برای خدا به اتمام برسانید و اگر مانعی (مثل نایمی از دشمن) پیش آید هر چه از قربانی برای شما میسر باشد بفرستید و موی سر خود را متراشید تا آن گاه که قربانی به جایگاهش برسد. و هر کس از شما بیمار باشد یا دردی در سرش پیدا شود (که نتواند سر بترشد) باید با روز مگرفتن یا صدقه‌دادن یا قربانی کردن فدیة بدهد. و چون از دشمن ایمن شدید هر کس که از حج تمتع به حج بازآید باید آن چه مقدور است قربانی کند و هر کس که برای قربانی تمکن نداشته باشد سه روز در حج و هفت روز پس از بازگشت روزه بدارد که ده روز تمام شود. این دستور برای کسی است که خانواده‌اش در مسجدالحرام حاضر نباشد.^۲ از خدا بترسید و بدانید که مجازات خدا سخت است. (۱۹۶)

موقع حج ماه‌های معینی است و هر کس که به حج برود باید با زن نزدیکی نکند، و کار زشت انجام ندهد، و مجادله و مناقشه ننماید، و شما هر نیکی کنید خدا بر آن آگاه است، و بر توشهٔ آخرت برگزید که بهترین توشه تقوی و پرهیزکاری است، و ای صاحبان خرد از من بترسید. بر شما باکی نیست که از خدای خویش فزونی بطلبید. و چون از عرفات کوچ کردید نزدیک مشعرالحرام خدا را یاد کنید. او را به یاد آورید چنان که شما را یاد کرد اگر چه پیش از آن از گمراهان بودید! سپس از همان جایی که مسلمانان کوچ می‌کنند کوچ نمائید و از خدا آمرزش بطلبید که خدا آمرزندهٔ مهربان است. و چون اعمال حج خویش را به جای آوردید خدا را یاد کنید بدان سان که از پدران خود یاد می‌کنید بلکه بیشتر از آن. بعضی از مردم می‌گویند پروردگارا! در دنیا به ما نیکی عطا کن. (ولی) در آخرت برای آنها بهره‌ای نیست! و از آنها کسانی که می‌گویند پروردگارا! در دنیا بر ما نیکی بخش و در آخرت نیز نیکی عطا فرما. و عذاب آتش را از ما باز دار. آنانند کسانی که از نتیجهٔ اعمال خود بهره‌مند خواهند شد و خدا زود حسابرس است. خدا را در روزهای انگشت شماری یاد کنید و هر کس که برای برگشتن از منی در دو روز شتاب کند گناهی بر او

۱. قبل از اسلام وقتی کسی برای حج مُحرم می‌شد از در خانه‌اش وارد نمی‌شد بلکه از پشت خانه در آن می‌آمد تا آنگاه که حَجَّش به پایان برسد. این آیه در باب ترک آن آمده است.

۲. در مورد اعمال حج و کیفیت به جای آوردن آن به رسالهٔ عملی فقها به نام "مناسک حج" مراجعه فرمائید.

نیست^۱ و اگر تأخیر کند در صورتی که پرهیزکار باشد باز برای او گناهی نمی‌باشد. از خدا بترسید و بدانید که به سوی او باز خواهید گشت^۲. (۱۹۷ - ۲۰۳)

از مردمان کسی هست که گفته‌های او درباره زندگی دنیا تو را به تعجب و شگفتی وامی‌دارد. و خدا را بر آن چه در دلش می‌گذرد گواه می‌گیرد در حالی که او سخت‌ترین ستیزندگان است. و هنگامی که از پیش تو برمی‌گردد می‌کوشد که در زمین فساد برانگیزد و کشتزارها و نسل‌ها را از میان بردارد و تباه سازد و خدا تبهکاری را دوست ندارد! و چون به او گفته شود که از خدا بترس و فساد مکن تکبرش او را به گناهکاری می‌کشاند. پس دوزخ او را بسنده است و چه بد آرامگاهی است! و از مردم کسی هست که جان خویش را در طلب رضای الهی می‌فروشد و خدا بر بندگان مهربان می‌باشد^۳. (۲۰۴ - ۲۰۷)

ای کسانی که ایمان آورده‌اید جملگی در مقام تسلیم (به اوامر الهی) برآئید و سوسه‌های شیطان را پیروی نکنید زیرا او دشمن آشکار شماست! پس اگر بعد از آن که از جانب خدا دلایل روشنی برای هدایت شما آمده، باز به راه خطا رفتید بدانید که خدا بر انتقام از خطاکاران توانا و به‌همه علوم عالم دانا است. آیا کافران (به این دلایل روشن ایمان نمی‌آورند) و جز این انتظار دارند که عذاب خدا و فرشتگان در سایبان‌هایی از ابر به سوی آنها آیند و کار یکسره شود و کارها همه به سوی خدا باز گردد؟. (۲۰۸ - ۲۱۰)

(ای پیامبر) از بنی‌اسرائیل بپرس که ما چقدر آیات و دلایل روشن بر آنها آوردیم؟ هر کس نعمت هدایتی را که خدا بدو داد، انکار کند (بداند که) عقاب خدا بر کافران سخت است. زندگی دنیا بر کافران زیبا و آراسته می‌نماید! آنها مؤمنان را استهزاء می‌کنند و حال آن که آنها که پرهیزکارند روز قیامت در مقامی فوق آنها قرار دارند و خدا به هر کس که خواهد روزی بیشمار عطا می‌نماید. (۲۱۱ - ۲۱۲)

مردم جملگی امت واحدی بودند، پس خدا پیامبرانی فرستاد که نیکوکاران را به رحمت او بشارت دهند و بدکاران را از عذاب وی در بیم دارند. و بدان پیامبران کتاب حق فرستاد تا طبق احکام آن در اختلافات بین مردم داوری کنند، ولی جز همان گروه، که کتاب به آنها داده شده و دلایل روشن آمده بود، برای تجاوز به همدیگر درباره آن، اختلاف و شبهه ایجاد نکردند! پس خدا به‌لطف خویش کسانی را که ایمان آورده بودند در آنچه از حق و حقیقت اختلاف می‌کردند، هدایت نمود و خدا هر که را خواهد به راه راست هدایت می‌نماید. آیا گمان کردید داخل بهشت می‌شوید بدون آزمایش‌هایی که پیش از شما بر گذشتگان آمده؟ که بر آنها رنج‌ها و سختی‌ها رسید و همواره پریشان خاطر و هراسان بودند تا آنگاه که از شدت اندوه از خدا مدد خواسته گفتند بار خدایا کی باشد که ما را یاری کنی؟ در آن حال به رسول خطاب شد که همانا یاری خدا نزدیک است. (۲۱۳ - ۲۱۴)

از تو می‌پرسند در راه خدا چه اتفاق‌کنند؟ بگو هر چه از مال خودتان انفاق کنید، درباره پدر و مادر، و خویشان، و یتیمان و بی‌چارگان، و در راه ماندگان. و هر چه کار نیک کنی

۱. منظور از روزهای انگشت‌شمار سه روز بعد از عید قربان است که ایام تشریق گفته می‌شود و در رساله‌های مناسک حج فقها شرح آنها آمده است.

۲. توقف در منی از روز دهم تا ظهر روز دوازدهم ذیحجج برای حجاج الزامی است. در این آیه در مورد تعجیل و تأخیر در آن باب سخن رفته است.

۳. مفسران شخص مورد نظر در آیه ۲۰۶ را اخنس ثقفی نوشته‌اند که سیما و طرز بیانش بر پیامبر خوش آمد ولی به گفته قرآن سخت‌ترین ستیزندگان بود. و شخص مورد اشاره بعدی در آیه ۲۰۷ را علی بن ابی طالب گفته‌اند که شب هجرت رسول به مدینه در جای او خوابید و جان خود را در راه خدا در معرض خطر قرار داد.

خدا بر آن دانا است. (۲۱۵)

حکم جهاد بر شما محقق گشته است. و حال آن که بر شما ناگوار و مکروه می‌آید! چه بسیار چیزها که شما آنها را ناگوار بشمارید ولی خیر و صلاح شما در آن باشد. و چه بسیار که شما چیزی را دوست دارید و آن برای شما شرّ و فساد گردد! خدا به مصالح امور دانا است و شما نمی‌دانید. (۲۱۶)

از تو درباره ماه‌های حرام و پیکار در آن سؤال می‌کنند. بگو جنگ در آن گناه بزرگی است ولی باز داشتن مردم از راه خدا، و کفر ورزیدن بدو، و عدم رعایت حرمت مسجدالحرام، و بیرون راندن اهل آن از آنجا، در پیشگاه خدا گناه بزرگتر می‌باشد. و فتنه‌انگیزی برتر از قتل است! کافران همیشه با شما پیکار کنند تا اگر بتوانند شما را از دینتان برگردانند. و هر کس از شما از دین خویش برگردد و بمیرد کافر باشد، و اعمال چنین کسانی در دنیا و آخرت ضایع و بی‌حاصل است و آنان اهل آتشند و در آن جاودان بمانند! آنان که ایمان آوردند و آنان که مهاجرت کردند و در راه خدا جهاد نمودند آنها به رحمت خدا امیدوارند و خدا آمرزندهٔ مهربان است. (۲۱۷ - ۲۱۸)

از تو دربارهٔ شراب و قمار می‌پرسند بگو در آنها گناه بزرگی است و سودهایی نیز برای مردم دارند ولی گناه آنها از منافعی بزرگتر می‌باشد. و (نیز) از تو می‌پرسند (در راه خدا) چه چیزی احسان و انفاق کنند؟ بگو عفو و گذشت! خدا آیات خود را اینچنین برای شما بیان می‌نماید تا مگر بی‌اندیشید. برای دنیا و آخرت (خود انفاق کنید). دربارهٔ یتیمان از تو سؤال می‌کنند. بگو برای اصلاح کار آنها بکوشید بهتر است. و اگر با آنها معاشرت کنید نیکو است که آنها برادران دینی شما هستند و خدا آن کس را که در کار یتیمان افساد کند از مصلح باز شناسد و خدا (در امر یتیمان کار را بر شما آسان کرد) اگر می‌خواست شما را در مشقت می‌انداخت. به راستی که او بی‌همتای دانا است. (۲۱۹ - ۲۲۰)

با زن‌های مشرک ازدواج نکنید مگر ایمان بیاورند. کنیزی با ایمان از بانوی آزاد مشرک بهتر است هر چند بانوی مشرک (از حیث جاهت و غیره) شما را به شگفت آورد. و به مردان مشرک زن ندهید مگر آن که ایمان بیاورند. یک بنده مؤمن از یک مشرک بهتر است اگرچه آن مشرک شما را به شگفتی آورد. مشرکان شما را به آتش دوزخ دعوت می‌کنند و خدا شما را با اراده و رحمت خویش به بهشت و آمرزش فرا می‌خواند. او آیاتش را به مردم بیان می‌کند باشد که پند گیرید. (۲۲۱)

از تو دربارهٔ عادت (ماهانه) زنان سؤال می‌کنند بگو آن نوعی رنج است بر آنان. در آن حال از همبستر شدن با آنها دوری کنید و با آنان نزدیکی ننمائید تا پاک شوند و چون پاک شدند به طریقی که خدا مقرر داشته با آنان نزدیکی کنید و خدا توبه‌کنندگان و آنهایی را که خویشتن را پاک دارند دوست دارد. همسران شما (برای به دنیا آوردن فرزند به منزله) کشتزار شما پس هر وقت بخواهید به کشتزار خود درآئید و برای خود اعمال صالحه تدارک نمائید. از خدا بترسید و بدانید که شما محققاً نزد او خواهید رفت. (و تو ای پیامبر همین را) به مؤمنان بشارت بده. (۲۲۲ - ۲۲۳)

زنهار خدا را دست‌آویز سوگندهای خود نسازید که خود را نیکوکار و پرهیزکار و مصلح به مردم نشان دهید که خدا شنوای دانا است. خدا شما را به سوگند بیهودتان بازخواست نکند لیکن از آن چه دل‌هایتان کسب کرده است از شما مؤاخذه نماید و خدا آمرزگار بردبار است. به کسانی که با سوگند^۱ از زنانشان کنارگیری کنند چهار ماه مهلت

۱. در دوران جاهلیت رسم بوده که مردی سوگند یاد می‌کرد که مدت‌هایی << بقیهٔ پاورقی در صفحهٔ بعد

است اگر برگشتند پس خدا آمرزگار مهربان است. و اگر خواستار طلاق شدند پس خدا شنوای دانا است. (۲۲۴ - ۲۲۷)

زن‌هایی که طلاق گرفته‌اند تا سه بار عادت ماهانه‌شان (از شوهر کردن) خودداری کنند و بر آنان اگر به خدا و روز قیامت ایمان دارند، جایز نیست حملی را که در رحم خود دارند کتمان نمایند. و اگر خواهان آشتی و سازش شوند شوهرانشان سزاوارترند که آنها را (برای زندگی مشترک) باز گردانند. زنان را بر شوهران حقی است همانند حقی که شوهران بر آنها دارند و مردان را به زنان برتری و مزیتی است و خدا توانا و دانا است. طلاق دو بار صورت می‌گیرد یا به خوشی و نیکویی زن را نگاه دارد یا با احسان و پرداخت همه مهریه‌اش او را رها سازد. بر شما حلال نیست از آن چه برای زنان خود می‌دهید چیزی باز ستانید مگر آن که بیم داشته باشید که آنها نتوانند حدود الهی را نگاه دارند. و اگر بیمناک شدید که حدود خدا را نگاه نمی‌دارند دیگر بر آنان گناهی نیست که زن برای گرفتن طلاق فدیة بدهد (و مثلاً از مهریه‌اش بگذرد). این حدود و احکام خدا است از آن سرکشی و تجاوز نکنید و کسانی که از حدود الهی تجاوز کنند آنها ستمکارانند. پس اگر مرد همسر خود را (برای بار سوم) طلاق داد آن زن دیگر بر او حلال نیست مگر آن که با مرد دیگری ازدواج کند و اگر این شوهر جدید او را طلاق دهد بر آنان (زن و شوهر اولیه‌اش) گناهی نیست که به زوجیت برگردند به شرطی که بدانند از آن پس احکام و حدود خدا را به پا خواهند داشت. این است احکام خدا که آن را برای مردمی که دانایند بیان می‌دارد. (۲۲۸ - ۲۳۰)

هرگاه زنان را طلاق دادید تا نزدیک شدن انقضای عده، آنها را به خوشی نگاه دارید و یا به نیکی رها سازید. جایز نیست که آنها را به زور و به قصد آزار و اذیت نگاه دارید. پس هر کس چنین کند همانا به خویشتن ستم کرده است. آیات الهی را به استهزاء و مسخره نگیرید. نعمت‌هایی را که خدا به شما داده یاد کنید و آن چه از کتاب و حکمت برای شما نازل کرده که شما را اندرز دهد، به یاد آورید. و از خدا بترسید و بدانید که او بر همه امور دانا است. و چون زنان را طلاق دادید و آنها به انقضای مدت عده رسیدند، اگر به خوبی میانشان رضایت پیدا شد، آنها را از ازدواج با شوهران خود باز ندارید. این پندی است برای کسانی از شما که به خدا و روز قیامت ایمان دارند. این دستور برای تزکیة نفوس شما بهتر و پاکیزه‌تر است. خدا (به مصلحت شما) دانا است و شما نمی‌دانید. (۲۳۱ - ۲۳۲)

مادران دو سال تمام فرزندان خود را شیر دهند. این برای کسی است که بخواهد شیردادن را کامل کند. خوراک و پوشاک زنان شیرده، به وجهی پسندیده بر عهده پدر است. هیچکس را بیش از توانائی او تکلیفی نیست. نباید مادر در نگهداری فرزند به ضرر و زیان افتد و نه پدر به خاطر کودک بیش از حد معمول متضرر گردد. این دستور در مورد وارث (نسبت به کودکی که یتیم شده) نیز جاری است. اگر پدر و مادری، با مشورت و رضایت همدیگر بخواهند فرزند خود را از شیر باز گیرند، بر آنان گواهی نیست و اگر خواستند فرزندان خود را به دایة شیردهی بسپارید باز برای شما ایرادی نیست. به شرط آن که مزدی را که (با دایه) قرار گذاشته‌اید به نیکی به او بپردازید. از خدا بترسید و بدانید که خدا بقیة از صفحه قبل >>> باز نش نزدیک نکند و آنرا "ایلا" می‌گفتند. در این مدت زن سرگشته بود زیرا نه طلاق گرفته بود که شوهر دیگری اختیار کند و نه از شوهر خود بهرمنند می‌شد و گاهی این بلا تکلیفی تا آخر عمر طول می‌کشید. این آیه آن رسم را از بین برد و چهار ماه مدت معین نمود که اگر مرد برنگردد زن از طرف حاکم شرع مطلقه گردد.

بر آن چه می‌کنید بینا است. (۲۳۳)

کسانی از شما بمیرند و همسرانی به جای بگذارند (آن زنان بیوه) باید چهار ماه و ده روز عده نگهدارند و چون به پایان این مدت رسیدند در آن چه به نیکی و شایستگی در حق خود اقدام کنند، بر شما گناهی نیست. و خدا بدان چه می‌کنید دانا است. بر شما گواهی نیست به کنایه از آن زنان خواستگاری کنید یا نیت ازدواج را بدون اظهاری در دل خود نگاه دارید. خدا می‌داند که آن را از دل به زبان می‌آورید. ولیکن در نهانی با آنها قرار و وعده‌ای مگذارید مگر آن که سخن نیکو (بر موازین شرعی و نه زنا و فحشا) بگوئید و تا زمانی که عده آنها سپری نشده به عقد نکاح تصمیم نگیرید. و بدانید که خدا آن چه را در دل‌های شما است می‌داند. پس از او بترسید و بدانید که خدا آمرزگار بردبار است. (۲۳۴ - ۲۳۵)

اگر زنان را طلاق دهید در صورتی که با آنها نزدیکی نکرده یا مهری بر آنان معین ننموده‌اید گناهی بر شما نیست، (در این صورت) از مال خود به مقدار شایسته‌ای، که در خور نیکوکاران است، او را بهره‌مند سازید. توانگر به اندازه خویش و تنگدست به قدر توانایی خود. ولی اگر برایشان مهر معین کرده‌اید و قبل از نزدیکی آنان را طلاق بدهید نصف مهری را که معین کرده‌اید به او بپردازید مگر آن که آنها خود از آن بگذرند یا آن کس که عقد نکاح به دست او است (مثل پدر و جد پدری) گذشت کنند ولی اگر شما گذشت کنید به تقوی نزدیکتر است. احسان و نیکوکاری را میان خود از یاد مبرید که خدا بر آن چه می‌کنید بینا است. (۲۳۶ - ۲۳۷)

نمازها و نماز وسطی^۱ را نگاه دارید و فروتنانه به اطاعت خدا قیام نمایند. اگر (از دشمنان) بیمناک باشید نماز را پیاده یا سواره به جای آورید و چون ایمنی یافتید (با آداب و شرایط) خدا را یاد کنید که بدان چه نمی‌دانستید شما را بیاموخت^۲. (۲۳۸ - ۲۳۹)

و کسانی از شما که می‌میرند و همسرانی باقی می‌گذارند باید در مورد آنها وصیتی کنند که تا یک سال آنها را نفقه بدهند و (از خانه) بیرون نکنند اما اگر زنان به میل خود از خانه بروند در آن چه آنها به شایستگی در حق خود بکنند بر شما گناهی نیست و خدا عزیز و فرزانه می‌باشد. و زنان طلاق داده شده را با متاع نیک و شایسته‌ای بهره‌مند سازند و این حقی است بر پرهیزکاران. خدا این چنین آیات خود را بر شما بیان می‌نماید باشد که بی‌انیشید. (۲۴۰ - ۲۴۲)

آیا ندیدی آنهایی را که از ترس مرگ از دیار خود بیرون رفتند که هزاران تن بودند. خدا به آنان فرمود بمیرید و همه مردند. سپس آنان را زنده کرد و همانا خدا در حق بندگانش فضل و کرم بسیار دارد ولیکن بیشتر مردم سپاسگزار نیستند. در راه خدا پیکار کنید و بدانید خدا شنوای دانا است. کیست که به‌خدا وام دهد وامی نیکو؟ پس خدا آن را بر وی چند برابر کند. خدا است که می‌بندد و می‌گشاید (تنگی و فراخی در دست اوست) و شما به سوی او باز می‌گردید^۳. (۲۴۵)

ندیدی آن گروه از بنی اسرائیل را که بعد از موسی از پیامبرشان خواستند که پادشاهی برای ما معین کن تا با سرکردگی او در راه خدا بجنگیم. گفت آیا ممکن است جنگ برای شما مقرر شود و شما بجنگید؟ گفتند مگر بر ما چه شده که در راه خدا پیکار نماییم؟! در

۱. نماز میانه یا نماز وسطی را برخی از مفسران به نماز صبح و بعضی به نماز ظهر تفسیر کرده‌اند.
 ۲. این دو آیه مربوط به نماز است و مفسران نمی‌دانند چرا در بین آیاتی که مربوط به زن و مرد است آمده است.

۳. مفسران منظور از وام به خدا را وام در راه خدا می‌دانند که به "قرض الحسنه" معروف است.

حالی که ما و فرزندانمان (به دست دشمن) از سرزمین خود رانده شده‌ایم!... ولیکن وقتی جنگ بر آنها مقرر شد جز عده کمی همه پشت کردند و خدا بر ستمکاران دانا است. پیامبرشان به آنان گفت خدا طالوت را برای شما به پادشاهی برگزید. گفتند چگونه او را بر ما پادشاهی باشد که ما خود از او به شاهی اولی‌تریم و او را مال فراوانی نیست! گفت خدا او را بر شما برگزیده و از حیث دانش و نیروی بدنی او را فزونی داده است. و خدا ملک خود را به هر کس که خواهد می‌دهد و او گشایش‌دهنده دانا است. پیامبرشان به آنها گفت نشانه پادشاهی وی آن است که به صندوق (معهود)^۱ به سوی شما باز آید که در آن آرامشی از پروردگارتان است و باقیمانده آنچه خاندان موسی و هارون واگذاشته‌اند درون آن می‌باشد و فرشتگان آن را حمل می‌نمایند. همانا در آن نشانی‌ای برای شماست اگر ایمان دارید!

هنگامی که طالوت با سپاهش (برای جنگ با جالوت) بیرون آمد به آنان گفت خدا شما را با نهر آبی می‌آزماید. هر کس از آن آب بنوشد از من و به آئین من نباشد و هر کس از آن نخورد از من و هم از آئین من خواهد بود مگر آن که کف دستی بردارد. (اما آنها) جز عده کمی از آن آب آشامیدند و چون او و پیروانش از نهر گذشتند گفتند امروز ما را یارای ایستادگی در مقابل جالوت و سپاهیانست نیست (ولی) آنان که می‌پنداشتند به دیدار خدا خواهند رفت گفتند چه بسا که گروه کمی به خواست خدا بر جماعت بسیار غلبه کند و خدا با صبرکنندگان است. و هنگامی که با جالوت و لشکریانش روبرو شدند گفتند پروردگارا به ما صبر و پایداری عطا کن و گام‌های ما را استوار دار و ما را بر کافران پیروز گردان. پس به یاری خدا آنها را شکست دادند. و داود جالوت را کشت و خدا بدو پادشاهی و حکمت عطا کرد و از آنچه می‌خواست بدو آموخت. و اگر خدا بعضی مردم را به دست بعضی دیگر از میان نمی‌برد زمین در تباهی می‌افتاد ولیکن خدا بر اهل عالم فضل دارد. (۲۴۶ - ۲۵۱)

این آیات الهی است که به حق بر تو تلاوت می‌کنیم و همانا تو از پیامبران مرسل هستی. این پیامبرانند که ما بعضی از آنها را بر بعضی دیگر برتری دادیم. از اینان کسی بود که خدا با وی سخن گفت و بعضی از آنها را به درجاتی برتر ساخت. و به عیسی بن‌مریم معجزه‌ها دادیم و او را با روح‌القدس تأیید نمودیم و اگر خدا می‌خواست مردم، بعد از آنها و از پس آن که آیات روشن برایشان آمد، به جان هم نمی‌افتادند. ولی آنها اختلاف کردند. برخی ایمان آوردند و برخی کافر شدند و اگر خدا می‌خواست با هم قتال نمی‌کردند ولیکن خدا هر چه بخواهد می‌کند. (۲۵۲ - ۲۵۳)

ای کسانی که ایمان آورده‌اید از آن چه به شما روزی داده‌ایم در راه خدا انفاق کنید پیش از آن که روزی بر شما فرا رسد که در آن داد و ستد، و دوستی، و شفاعت نباشد و کافران همانا ستمکارانند. (۲۵۴)

خدا، جز او معبودی نیست. زنده و پاینده است. نه پینکی (کسالت خواب) او را فرا گیرد و نه خواب. هرچه از آسمان‌ها و زمین است از آن او است. کیست که به جز اذن او نزد او شفاعت کند؟ او از آن چه در آینده و گذشته خلاق است آگاه است. ولیکن آنها جز آن چه او بخواهد به چیزی از علم او احاطه نیابند. کرسی‌اش آسمان‌ها و زمین را فرا گرفته^۲ و نگاهی‌اری آنها بر وی گران نباشد. و او برتر و بزرگتر است. (۲۵۵)

در دین اجباری نیست. راه هدایت از ضلالت آشکار گشته است. پس هر کس طاغوت

۱. صندوق مذکور همان صندوق تورات است که رمز فتوحات اسرائیلیان در آن بود و بعد از موسی موقعی که قسمت‌هایی از سرزمینشان به دست دشمن افتاد این صندوق هم از دست آنها رفت.

۲. بیشتر مفسران کرسی را به دانش تعبیر کرده‌اند.

را انکار کند و به خدا ایمان آورد به دستاویز محکم و استواری دست زده است که گسستگی نیست و خدا شنوای دانا است. خدا دوست کسانی است که ایمان آورده‌اند. او آنان را از تاریکی درمی‌آورد و به سوی روشنی‌ها می‌برد. و اما آنان که کفر ورزیدند دوستانشان طاغوت می‌باشد که آنها را از روشنائی به تاریکی می‌کشانند. آنها اهل دوزخند و در آن جاویدان بمانند. (۲۵۶ - ۲۵۷)

آیا ندیدی آن کس را که، با غرور از سلطنتی که خدا بدو داده بود، با ابراهیم دربارهٔ پروردگارش ستیزه کرد؟ آن دم که ابراهیم گفت پروردگار من همان است که زنده می‌کند و می‌میراند. گفت من نیز چنین می‌توانم بکنم. زنده می‌کنم و می‌میرانم. ابراهیم گفت خدا آفتاب را از مشرق برمی‌آورد تو آن را از مغرب درآر. پس آن کافر مبهوت ماند. خدا گروه ستمکاران را هدایت ننماید! یا همچون کسی که به شهری گذر کرد که بر ستون‌هایش فرو افتاده بود. گفت خدا چگونه این شهر را پس از مردنش زنده می‌کند؟ خدا او را یک صد سال بمیرانید و سپس برانگیخت و گفت چه مدت درنگ کرده‌ای؟ گفت یک روز یا پاره‌ای از روز درنگ کرده‌ام. گفت نه! بلکه تو یک صد سال درنگ کرده‌ای. به خوراک و نوشابه‌ات بنگر که تغییر نکرده و الاغت را ببین! تا که حجتی بر تو و عبرتی بر مردم قرار دهیم (که چگونه می‌میرانیم و چگونه زنده می‌کنیم). نگاهی به استخوان‌ها بی‌انداز که چگونه آنها را به هم می‌آوریم و سپس آنها را با گوشت می‌پوشانیم! چون این حقایق بر او روشن شد گفت می‌دانم که خدا بر همه چیز توانا است. (۲۵۸ - ۲۵۹)

هنگامی که ابراهیم گفت پروردگار به من به نما که چگونه مردگان را زنده می‌کنی؟! گفت مگر تو هنوز ایمان نیاورده‌ای؟ گفت چرا ولیکن دلم آرام گیرد. گفت چهار پرنده را بگیر و آنها را پیش خود پاره پاره کن سپس جزئی از آنها را بر سر کوهی بگذار. بعد آنها را بخوان شتابان به سوی تو آیند. و بدان که خدا به همه چیز توانا و به حقایق امور آگاه است. (۲۶۰)

مثل کسانی که مال خود را در راه خدا انفاق کنند همانند دانه است که هفت خوشه برویاند و در هر خوشه یک صد دانه باشد و خدا چند برابر کند برای هر که بخواهد. و او وسعت دهندهٔ دانا است. کسانی که مال خود را در راه خدا انفاق می‌کنند و بدین احسان منت و آزاری بر کسی نمی‌نهند برای آنان پاداش نیکی نزد پروردگارشان است. به بر آنها بیمی باشد و نه اندوهگین گردند. گفتار نیکو و گذشت بهتر از صدقه‌ای است که در پی آن آزاری باشد و خدا بی‌نیاز بردبار است. (۲۶۱ - ۲۶۲)

ای کسانی که ایمان آورده‌اید صدقه‌های خود را با منت و آزار کامل مسازید مانند کسی که مال خود را برای ریای مردم انفاق کند ولی به خدا و روز قیامت ایمان نیاورد! مثل او حکایت سنگ خاره‌ای است که روی آن خاک نرم گرفته باشد و رگبار تندى بر آن فرود آید (خاک را بشوید) و سنگ را باقی گذارد! آنان که (به ریا انفاق کنند) از آن چه کرده‌اند ثمری نمی‌برند و خدا گروه کافران را هدایت ننماید! (اما) داستان کسی که اموال خود را برای کسب رضای الهی و آرامش روح خویش انفاق می‌کنند حکایت باغی است بر پشته‌ای، که اگر رگبار بر آن ببارد میوه‌هایش چهار برابر شود و اگر رگبار نیاید نهمبار بر آن کفایت

۱. آن شخص نمود پادشاه زمان ابراهیم است که دستور داد از دو محکوم یکی را بکشند و یکی را رها سازند.
۲. مفسران آن کس را "عزیز" و برخی "نحمیا" و آن شهر را بیت‌المقدس نوشته‌اند که بخت‌النصر در سال ۵۹۹ پیش از میلاد آنرا خراب کرد.

می‌کند. و خدا بر آن چه می‌کنید بینا است. آیا کسی از شما دوست دارد که باغی بادرختان خرما و انگور داشته باشد و در پای آنها نهرها روان باشد و در آن برای وی از تمام میوه‌ها فراهم آید. پس پیری بدو روی آورد و او را فرزندان بی‌نوائی باشد (و در چنین موقعیتی) گردباد سوزانی بر باغ به‌موزد و آن را بسوزاند...؟! خدا آیات خود را بدین سان برای شما بیان می‌دارد تا شاید بیندیشید. (۲۶۲ - ۲۶۶)

ای کسانی که ایمان آورده‌اید از چیزهای پاکیزه‌ای که کسب کرده‌اید و از آن چه ما برای شما در زمین رویانده‌ایم انفاق کنید و چیزهای پلید و نامرغوب را برای این کار در نظر نگیرید. چنان که خودتان هم با چشم‌پوشی، چیزهای پلید را نمی‌پذیرید. و بدانید که خدا بی‌نیاز و ستوده است. شیطان شما را وعده فقر می‌دهد و به کارهای زشت امر می‌نماید ولی خدا شما را به آموزش خویش و فضل و احسان نوید می‌دهد و خدا گشایش‌دهنده دانا است. او به هر کسی که خواهد حکمت می‌دهد و هر که بدو حکمت داده شود بی‌گمان خیر بسیار بدو عطا شده است. و پند نمی‌گیرند مگر خردمندان. (۲۶۷ - ۲۶۹)

هرگونه نفع‌های که انفاق کنید یا هرگونه نذری را که نذر نمائید خدا آن را می‌داند و برای ستمگران یاورانی نمی‌باشد. اگر صدقه و احسان را آشکارا بدهید خوب است ولی اگر آن را در خفا و پنهان بدهید و به نیازمندان برسانید برای شما بهتر است و شما را از گناهانتان بری می‌سازد. و خدا بر آن چه می‌کنید آگاه است. (۲۷۰)

(ای پیامبر) هدایت آنها بر عهده تو نیست ولیکن خداست که هر که را خواهد هدایت کند. آن چه از مال خود انفاق کنید به سود خودتان است و شایسته نیست که جز برای طلب رضای خدا انفاق و احسان کنید و هر چه از مال خویش انفاق کنید به خود شما عاید می‌شود و بر شما ستم روا نگردد. (۲۷۱ - ۲۷۲)

(صدقات و خیرات) برای بی‌نویانی است که در راه خدا دچار تنگی شده‌اند و توانایی آن که برای کسب روزی کاری بکنند ندارند. مردم نادان، به سبب عفت و مناعت آنها، آنان را توانگران به حساب می‌آورند! آنان را از سیمایشان می‌توانی بشناسی! به اصرار از مردم دریوزگی نمی‌نمایند. آن چه از مال خویش انفاق کنید خدا آن را می‌داند. آنان که اموال خود را شب و روز، در نهان و آشکار در راه خدا انفاق می‌کنند پاداششان نزد پروردگارشان است و بر آنها بیمی نیست و هرگز اندوهگین نگردند. (۲۷۳ - ۲۷۴)

آنان که ربا می‌خورند (از قیر) برنخیزند مگر مانند کسی که شیطان او را دیوانه کرده باشد. این بدان سبب است که آنها می‌گفتند معامله و کسب هم مانند رباست. در حالی که خدا کسب را حلال و ربا را حرام کرده است. پس هر کس که پندی از سوی پروردگارش بدو رسید و از ربا دست کشید آن چه گذشت برای خود او است و حکمش با خدا است. و هر کس (بار دیگر برباخواری) برگردد آنها اهل آتش باشند و در آن جاودان بمانند! خدا نابود گرداند ربا را و برکت می‌دهد صدقه‌ها را و او هیچ ناسپاس تبه‌کار را دوست ندارد. (۲۷۵ - ۲۷۶)

کسانی که ایمان آورده کارهای نکو انجام دهند و نماز برپای دارند و زکات مال خویش بپردازند پاداششان نزد پروردگارشان است و بر آنها بیمی نیست و هرگز اندوهگین نگردند. (۲۷۷)

ای کسانی که ایمان آورده‌اید از خدا بترسید و اگر مؤمن هستید آن چه را که از ربا باقی‌مانده است رها کنید. و اگر (چنین) نکرديد پس آگاه باشید که به جنگ خدا و پیامبرش برخاسته‌اید. اگر توبه کردید سرمایه‌هایتان متعلق به خودتان است و در این‌صورت نه ظلمی

کرده‌اید و به به شما ظلمی شده است. و (آن کس که بدهکار شماست) اگر در تنگدستی باشد مهلت بدهید تا گشایشی یابد و اگر ببخشید برای شما بهتر است اگر بدانید. به ترسید از روزی که در آن به سوی خدا بازمی‌گردید. پس به هر کس نتیجه اعمالش به تمامی داده شود و بر آنان ستمی روا نگردد. (۲۷۸ - ۲۸۱)

ای کسانی که ایمان آورده‌اید اگر به قرض و نسیه مدت‌دار معامله کنید آن را بنویسید. و نویسند باید آن را به عدالت و دادگستری بنویسد و از نوشتن آن، بدان سان که خدا بدو نوشتن آموخته، خودداری ننماید. و آن کس که حق به گردن اوست (بدهکار) باید آن را املا کند و نویسند بنویسد و از خدا که پروردگار اوست بترسد و چیزی از آن فرو نگذارد. اگر آن کس که حق به گردن او است (بدهکار) سفیه یا ناتوان باشد و نتواند املا کند ولی او عادلانه املا نماید و دو نفر از مردان‌تان را بر آن گواه بگیرید. اگر دو نفر مرد نباشد یک مرد و دو زن از آنهایی که از گواهان قبول‌دارید. تا اگر یکی از آنها فراموش کند دیگری آن را به یاد آورد. اگر گواهان برای ادای شهادت خواسته شوند ابا ننمایند. از نوشتن وام، چه بزرگ باشد و چه کوچک، ملول نشوید. این کار در پیش خدا درست‌تر، و به انصاف نزدیکتر، و برای شهادت استوارتر، و از شک و شبهه دورتر است. مگر آن که تجارت و معامله نقد باشد که آن را بین خود دست به دست بگردانید. و در این صورت بر شما گناهی نیست اگر آن را ننویسید. و چون معامله کردید شاهد بگیرید. نباید به شخص نویسند و شاهد زبانی متوجه شود و اگر چنین کنید آن بر شما گناه خواهد بود. از خدا بترسید خدا (مصلح امور را) به شما می‌آموزد و خدا بر همه چیز دانا است. اگر در سفر باشید و نویسند‌های نیابید گروگانی بستانید و اگر کسی از شما به یکی اطمینان کند (و امانتی بدو بسپارد) پس آن امانت‌دار باید امانت او را پس بدهد و از خدا، پروردگار خویش بترسد. شهادت را کتمان نکنید هر که آن را کتمان کند دل او گناهکار است و خدا بدان‌چه می‌کنید دانا است. (۲۸۲ - ۲۸۳)

آن چه در آسمان‌ها و زمین است متعلق به خداست و اگر آنچه را که در درون شما است آشکار کنید یا پنهان‌سازید خدا همه را از جانب شما محسوب می‌دارد. هر که را او بخواهد می‌آموزد و هر که را خواهد معذب می‌دارد. و خدا به همه چیز توانا است. (۲۸۴)

پیامبر بدانچه از جانب پروردگارش نازل شده ایمان دارد و مؤمنان نیز عموماً بر خدا، و فرشتگان او، و کتاب‌های او، و پیامبران او باور دارند. (و گویند خدایا) ما میان هیچیک از فرستادگان تو فرقی نگذاریم. (وامر ترا) شنیدیم و اطاعت کردیم. پروردگار! ما آمرزش تو را می‌خواهیم و بازگشت ما به سوی تو می‌باشد. (۲۸۵)

خدا هیچکس را جز به قدر توانائی او مکلف نمی‌سازد. (انسان) هر چه از نیکوئی‌ها به دست آورده به سود خود او است و هر چه بدی انجام دهد به زیان او می‌باشد. پروردگار! اگر ما تو را فراموش کردیم یا خطا نمودیم بر ما مگیر! پروردگار! تکلیف و بار سخت بر ما منه، بدان سان که بر پیشینیان ما نهادی! پروردگار! آن چه را که ما طاقت و تحمل آن را نداریم بر ما تحمیل مکن. و از گناهان ما در گذر، و ما را بیمارز، و بهما رحم کن که تو سرور ما هستی. و ما را بر گروه کاگران یاری ده. (۲۸۶)